

مشارکت

پیشگامان

سروده‌های معنوی - ۴

مجموعه

مجموعه

مجموعه

مجموعه

ترجمه به انگلیسی و مقدمه

دیوید لندیس بارنیل

ترجمه به فارسی

حامد علی آقایی

سفر باشو

نوشته‌های ادبی ماتسونو باشو

نگارخانه

نشر نگاه معاصر

7787/07

گاهشماري مشهورين مائسونو باشو

فهرست

- ۷ □ گاهشماري منتخب زندگي مائسونو باشو
۱۹۵۶ مائسونو يوزلمون، يوزباشو
- ۱۰ مقدمه: سفر باشو
۱۹۵۶ مائسونو يوزلمون، يوزباشو
- ۲۵ ۱. روزنگاره‌های استخوان‌های پریده‌رنگ در مزرعه
۱۹۵۶ مائسونو يوزلمون، يوزباشو
- ۳۶ ۲. روزنگاره‌های کاشیما
۱۹۵۶ مائسونو يوزلمون، يوزباشو
- ۴۲ ۳. دفترچه یادداشت سفری
۱۹۵۶ مائسونو يوزلمون، يوزباشو
- ۶۰ ۴. روزنگاره‌های ساراشینا
۱۹۵۶ مائسونو يوزلمون، يوزباشو
- ۶۴ ۵. باریکه‌راهی به قلب شمال
۱۹۵۶ مائسونو يوزلمون، يوزباشو
- ۱۰۴ ۶. یادداشت‌های روزانه ساگا
۱۹۵۶ مائسونو يوزلمون، يوزباشو
- ۱۱۷ منتخب هاييون‌ها
۱۹۵۶ مائسونو يوزلمون، يوزباشو
- ۱۷۱ □ واژه‌نامه
۱۹۵۶ مائسونو يوزلمون، يوزباشو

آثار مشهور در ادبیات ژاپن است. سفرهای او همچنین موقعیتی بودند برای نوشتن نثر-اشعاری که هایبون، «نثر-هایکای»، نامیده می‌شوند. در غرب متداول است که باشو را «شاعر طبیعت» بدانند، حال آنکه او سبک‌پرداز بزرگی در نثر بود و بخش اعظم نوشته‌های ادبی‌اش پیوند پیچیده‌ای با زندگی خانه به‌دوشی‌اش داشت.

این سفر تا اوایل تابستان ۱۶۸۵ به درازا کشید. از دستاوردهای آن، یکی روزنگارهای استخوان‌های پریده‌رنگ در مزرعه بود که نخستین مجموعه روزنگارهای جاده‌ای باشو است. این روزنگارها، با مشخصه کلی حساسیتی ژرف نسبت به بی‌دوامی همه چیز، با قطعه‌ای شروع می‌شود که در آغاز این مقدمه آوردیم. باشو در این قطعه خود را مرده‌ای بر کناره جاده مجسم می‌کند. در نخستین قسمتِ پر معنای این روزنگارها، او به کودکی ره‌اشده بر کناره جاده برمی‌خورد. باشو بسیار بر کودک دل می‌سوزاند و می‌پرسد که چگونه یک کودک چنین تقدیری می‌یابد. سپس به این اندیشه می‌رسد که «این باید از جانب آسمان باشد» و پس از افکندن اندک طعامی مقابل کودک، او را پشت سر می‌گذارد و به راه خود می‌رود.^۱ تنها اندکی بعدتر شعری مشهور می‌خوانیم در باب اسب باشو که ناگهان یک گل سرخ نوشکفته شارون را لگدمال می‌کند، گلی که حتی نمی‌تواند زندگی کوتاه یک‌روزه خود را به سر رساند. او با بازگشت به خانه زادگاه‌اش در روستا، تارهایی از موی سپید مادر متوفای خود دریافت می‌کند. و باز، به رغم تمامی این ایماژهای بی‌دوامی، نوعی دوام زمانی نیز در کار است، آن‌سان که در قطعه‌ای زیبا، او وارد «یوشینو» می‌شود و با شاعران گذشته به معاشرت می‌پردازد. این روزنگارها که در بخش عمده خود به یکسان از نثر و نظم برخوردارند در پایان به مجموعه‌ای از هوکوکوها می‌رسند که تنها، متن‌های کوتاهی به عنوان مقدمه دارند. در پایان این روزنگارها، یادداشت طنزآمیزی می‌آید با این مضمون که سفر به آخر رسیده اما باشو همچنان سرگرم کردن زالوهایی است که در این سفر به لباس‌هایش چسبیده‌اند.

مقدمه

عازم سفری شدم هزارفرسخی، بی‌هیچ ره‌توشه. می‌گفتند آنکه بر این کهنه‌عصا تکیه زده، در یکی مهتاب نیمه‌شبان به عدم پیوسته است. نخستین سال «جوکیو» بود؛ پاییز، ماه شب هشتم. چون کلبه ویران‌ام را بر کناره رودخانه ترک می‌کردم، آوای باد سوز غریبی داشت.

استخوان‌های پریده‌رنگ در خاطر،

باد می‌شکافتد

بدن‌ام را تا قلب

(روزنگارهای استخوان‌های پریده‌رنگ در مزرعه)

در اواسط پاییز ۱۶۸۴، شاعر هایکای^۱ سرای ژاپنی، ماتسوئو باشو، از «ادو» (توکیوی امروز) عازم سفر شد. همسفر با دوست و مریدش، «چی‌ری»، در روستای زادگاه‌اش، «اوانو»، در ایالت «ایگا» توقف کرد، جایی که مادرش سالی پیشتر درگذشته بود. او همچنین از «معبد بزرگ» در «ایسه»، مقدس‌ترین مرکز شینتو، و از کوه «یوشینو» که به طبیعت زیبایش مشهور است، و نیز از شهرهای کهن «نارا» و «کیوتو» دیدن کرد.

اما سفر او نه صرفاً دیدن خانه قدیمی‌شان یا نقاط دیدنی مشهور، بلکه آغاز یک زندگی سالکانه بود. او این شیوه زندگی مطلوب‌اش را در پنج روزنگاره جاده‌ای معرفی می‌کند که آخرین آن‌ها، باریکه‌راهی به قلب شمال، از بهترین

۱. برای شرحی بر این بخش و نیز ارتباطش با مطلوب سالکانه باشو رجوع کنید به مقاله من با عنوان «بی‌دوامی، تقدیر، و سفر: باشو و مسئله معنا» در مجله رلیجن، ش ۱۶، ۱۹۸۶: ۳۴۱-۳۳۳.

۱. برای واژه‌های هایکای، هایکو، هوککو، و هایبون، به واژه‌نامه پایان کتاب رجوع کنید.